

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

نویسنده: جیران پیله وری

۱۰/۱۰/۲۴

از بهره کشی جنسی تا تن فروشی

“طبق تعریف، ارتباط با کودک در هر سطح و به هر شیوه، با هدف بهره‌کشی جنسی سوء استفاده جنسی خوانده می‌شود. در این تعریف منظور از سطح، از نوازش اندام‌ها با دست تا مراحل پیشرفته به قصد لذت جنسی است...” (۱)

از همین ابتداء بگذاریم که تمام آنچه که در کتاب‌ها و در مقالات و در سخنرانی‌ها در رابطه با بهره‌کشی و سوء استفاده جنسی از کودکان خوانده ایم را کنار بگذاریم و نگرش جدیدی بر این مقوله داشته باشیم.. نگرشی که نه مشابه تعاریف بالاست.. و تعاریف و قراردادهای جدید را در بر می‌گیرد..

سوءاستفاده جنسی از نوازش شروع نمی‌شود. تعرض جنسی به کودک از نگاه هرز و کلام هرز شروع می‌شود و در انتها به فیزیکی هرز، لمس، نوازش و ... ختم می‌شود.

آزار جنسی کودکان در طبقات مختلف جامعه اشکال متفاوتی را به خود می‌گیرد و علل شناسایی آن هم در هر طبقه و هر بخش از جامعه متفاوت است..

آنچه که در مدارس طبقه متوسط جامعه به عنوان آزار جنسی کودکان شناخته می‌شود می‌تواند بررسی نادرستی از بلوغ ناموفق و فروگشته شده باشد و در کارگاه‌های طبقه پائین تر نمادی از اثبات برتری و بازتولید تحقیری که فرد در کودکی متحمل شده است.

و کودک آزاری که در طبقات بالای شهر عمدتاً از خانواده و نزدیکان کودک است و معلول سهل انگاری و ناهنجاری‌های روانشناسی، در طبقات پائین تر رفته رفته دایره وسیع تری شامل همسالان و صاحب کاران را در بر می‌گیرد. و معلول آسیب‌های جدی تر طبقه خویش است.

در این مقاله آنچه گذار از بهره‌کشی جنسی تا تن فروشی در طبقات پائین جامعه شمرده می‌شود مورد بررسی قرار می‌گیرد..

بهره‌کشی جنسی از کودک معمولاً از ۷-۸ سالگی (۲) شروع شده و تا سنین ۱۴-۱۵ سالگی دیده می‌شود. اما از این سنین به بعد شکل آن بیشتر شبیه آنچه ما تن فروشی می‌دانیم می‌شود که معمولاً همراه با نیازهای مادی و تحت

فشارهای شرایط خویش است و به این سبب نمی توان آن را انتخاب کودک دانست.

“مصطفی خزائی” از مددجویان جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان می گوید:

”بچه ۱۰ ساله را می شناسم که تازه وارد کارگاه نجاری در محله چهاردانگه شده بود. شاگرد ارشد به وی گفت برو چکش بیار و قبول نکرد. برای رو کم کنی و اذیت کردن وی بچه تازه کار به او تعرض کرد. کلاً این طور شروع میشه که بچه میره کارگاه.. شاگردای بزرگتر که ارشد هستن هی به او محبت می کنن.. نازش را می کشن.. اذیت می کنن.. روزای جمعه که صاحب کار نیست مجبورش می کنن بیاد اضافه کاری وضع همین طور پیش میره تا کم کم عادت می کنه و رضایت میده به شرایطش”..

شیوه برخورد کودک با این مسأله به دو شکل کلی ست.. فرار کردن و یا تن دادن.

کودک یا از روبرو شدن با قضیه می گریزد، کارگاهش را عوض می کند، تلاش می کند با فردی که به او تعرض می کند تنها نماند، در موارد اندکی به خانواده می گوید و..

و یا اینکه در اکثر موارد، بالاخره به این مسأله تن می دهد و کنار می آید. مسأله مهم در قبول این شرایط تحمیل شده از سمت کودکان این است که این تعرض و بهره کشی معمولاً به شکل ناگهانی شروع نمی شود که مقاومت شدید کودک را باعث شود.. شروع برقراری ارتباط، کلامی ست، سپس به لمسی که در فرهنگ عامه به دستمالی شناخته می شود، می رسد و قبح مسأله برای کودک کمرنگ و کمرنگ تر می شود تا جایی که مقاومت وی به حداقل می رسد و در این شرایط امکان در هم شکستن آن بسیار بیشتر است. مضافاً به اینکه این عمل برای کودک با بهره های مادی و گاه غیرمادی همراه است.. مورد تأیید بودن، پذیرفته شدن در گروه، امکان مورد حمایت واقع شدن و ... در ضمن هر چه که تفاوت هزینه ها و درآمد در خانواده بیشتر باشد امکان قبول این مسأله از جانب وی بیشتر است.

“شهری نجفی” مددکار حقوق کودک در انجمن یاری کودکان در معرض خطر عنوان می کند:

”وضعیت فقر و تنگ بودن جا و رفت و آمد و مهمان های شهرستانی و کلاً شلوغی خانواده ها تأثیر فراوانی دارد. برای کودک این تجربه به وجود می آید.. از تعرض زبان تا لمس کردن. اگر کودک به خانواده و خواهر یا برادر اعتماد داشته باشد امکان اینکه بیان کند وجود دارد وگرنه تسلیم می شود و کم کم کنار می آید و عادت می کند”.

در تأیید این مسأله ”مژده حسینی” مددکار انجمن حمایت از حقوق کودکان بیان می کند:

”کودکان مواجه با این مسأله معمولاً از سنین پائین (۷-۸ سالگی) درگیر این مسأله می شوند و از طرف خانواده و نزدیکان این مسأله را به عنوان محبت به کودک القاء می کنند و کم کم این گونه رفتارها به شکل خلق و خو در کودک درونی می شود”

به عبارتی کودکانی که در خانه و همسایگی و توسط نزدیکان با این مسأله مواجه می شوند حتی از مقاومت کمتری نسبت به کودکانی که در محیط بیرون درگیر می شوند، برخوردارند. چرا که این کودکان قبل از اینکه به طور کامل متوجه تابو بودن این مسأله شوند به آن عادت می کنند هرچند که آسیب وارده به این کودکان بیشتر است.

همین طور ”علی بنی هاشمی” از مددکاران جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان در توضیح عوامل زمینه ساز این روابط می گوید:

”در مناطق پائین شهر و حاشیه ئی، تراکم جمعیت بالا و تعدد روابط، تمرکز افراد را به روی هم بیشتر می کند.. همه مسائل همدیگر را می دانند.. اتاق خواب ها جدا نیست و بچه ها روابط پدر و مادر را مونیتورینگ می کنند..

حتی منتظر این ارتباط می مانند. کودک با این پدیده آشناسـت و ارتباطات را رمز گشائی می کند و مسایل را دقیق متوجه می شوند و در نتیجه بر اساس نیاز های جنسی تمرکز می کنند و چون مجالی برای ارضای جنسی درست وجود ندارد ابزار برطرف کردن این نیاز را از محیط می گیرند ”

همان طور که مشخص است نمی توان برای سوءاستفاده جنسی دنبال یک علت خطی رفت، بلکه مجموعه ای از عوامل هستند که می توانند زمینه ساز این مسأله باشند؛ فقر، تحریک پذیری زودرس در خانواده های متمرکز پر جمعیت، قبح شکنی و عدم ارضای روانی مناسب جنسی و .. که البته خیلی از این عوامل خود معلول شرایط اقتصادی طبقه است.

“ محمد لطفی ” مددکار کودک در جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان متذکر می شود: “بعد از تسلیحات، نفت و مواد مخدر، تجارت جنسی یا سکس چهارمین تجارت پر سود جهان است و این خود نشان دهنده این است که چقدر ریشه های اقتصادی این مسأله حایز اهمیت است” به عبارتی می توان گفت به غیر از اختلالات جنسی که در تمام گروه های جامعه دیده می شود و به خصوص در قشر متوسط رو به بالا بیشتر نمود پیدا می کند، بقیه عوامل به وجود آورنده این پدیده ریشه در ساز و کارهای اقتصادی جهانی دارد.

آسیب هایی که بهره کشی جنسی و تن فروشی به کودکان می زند را در چند حوزه می توان بررسی کرد، آثار نمایان شده فعلی و تخریب های شخصیتی که در کنش های بزرگسالی مشخص تر خواهد بود. و هم چنین آسیب های شخصیتی و آسیب های جسمانی. چرا که فیزیولوژی کودکان برای این مسأله آمادگی ندارد و اگر تکرار شود به جسمشان لطمه می زند چرا که این خواسته متناسب با سن و بدن کودک نیست.. این کودکان عموماً ادبیات خاص خودشان را دارند.. تحقیر شده هستند و افسردگی و خشم از بارزترین خصوصیات رفتاری آنهاست.

“ محمد لطفی ” از این موارد نام می برد: “درخودماندگی، مخفی کاری، ترس های نابه جا، لکنت زبان، تغییر در فرم راه رفتن، پرخاشگری و برچسب زدن به شکل اسامی خاص از خصوصیات ست که نه همیشه ولی عمدتاً در این کودکان دیده می شود.” آثار تعرض به کودک در بزرگسالی در روند روابط جنسی خود را نشان خواهد داد. ناتوانی، عدم تمایل به جنس مخالف، روابط نامتعارف، همجنس بازی (۳)، تحقیر؛ چرا که بار تخریبی ارتباط با هم جنس بسیار بالاست..

“ علی بنی هاشمی ” توضیح می دهد: “در هر رابطه جنسی بخشی از لذت جنسی تحت تاثیر این تحقیر قرار می گیرد ممکن است در ارتباط های جنسی خشونت سرکوب شده اش را بروز دهد. و یا سعی می کند به لحاظ کمی تعداد روابط و شرکای جنسی اش را بیشتر کند.”

“ مرزده حسینی ” موردی را ذکر می کند که خانمی به انجمن آنها مراجعه کرده که شوهرش در کودکی با این قضیه مواجه بوده و اکنون حتی علی رغم داشتن یک فرزند دیگر قادر به ادامه دادن زندگی زناشویی نیست. “محمد لطفی” از فردی نام می برد که شخص مورد تعرض پس از ازدواج از ارتباط متعارف جنسی لذت نمی برده و زندگی زناشویی نابه سامان و توأم با نارضایتی دو طرف را داشته.

این کودکان، بزرگسالانی بدبین خواهند بود. دوست دارند که اطرافیان خود را با شرایطی مشابه خود ببینند و یا

ارزیابی کنند که بعداً مسأله را کمرنگ تر کنند و گاهی حتی با پررنگ جلوه دادن این مسأله در دیگران سعی در تخفیف دادن به خود دارند.

از طرف دیگر این کودکان در یک چرخه خود تولید کننده قرار می گیرند. "سهیلا بابائی" مددکار انجمن حمایت از حقوق کودکان می گوید:

"این کودکان تبدیل به پدر و مادر خود می شوند" ..

بحث فقط پدر و مادر نیست.. این کودکان خود تبدیل می شوند به کسی که مزاحمت های جنسی برای کودکان کوچکتر از خود ایجاد می کنند (خفت گیر)، همسایه ای که به کودک همسایه تعرض می کند. یا صاحب کارگاهی که کارگران خود را مورد سوءاستفاده جنسی قرار می دهد...

از طرفی به دلیل وجود یکسری هنجارها و تابوهای اجتماعی که احساس گناهکار بودن در تمام لحظات زندگی همراه اینان است. برای مثال در دختران این مسأله اینگونه نمود پیدا می کند که خودشان اغواکننده بوده اند و مقصر هستند. در پسران هم به دلیل تأکید عظیم جامعه بر فاعلیت جنسیشان، مسأله مفعول واقع شدن سرکوب شخصیتی شدید به همراه دارد.

"شهری نجفی" در توضیح علل اینکه چرا معمولاً کودکان اینگونه مسائل را مطرح نمی کنند بیان می کند: "عرف و سنت و جامعه هم این ارتباط را طرد می کنند و چون یک داستان مخفی است ذهن کودک همیشه درگیر این مسأله خواهد بود و نمی تواند با خودش کنار بیاورد در حالی که این قضیه ادامه پیدا می کند و این سخت ترین مرحله برای کودک است چرا که در حالی که خود قربانی است به چشم خاطی به او نگریسته می شود" .. و اما چه می توان کرد؟؟

"سهیلا بابائی" می گوید:

"دو مورد کودکان ۸ و ۱۱ ساله و خاله آنها را داشتیم که والدین معتاد داشتند و به طور خیلی جدی درگیر محیطی پر از روابط جنسی کثیف بودند و همین طور خاله ۱ ساله آنها که رسماً به اسم گل فروشی ارتباطات جنسی داشت. در نهایت مجبور شدیم آن دو را به بهزیستی معرفی کنیم که به شبه خانواده های سالم تری سپرده شدند، هرچند آنها هم مسائل خاص خود را دارند".

مسائل خاص خود.. این دقیقاً می تواند مصداق از چاله در آمدن و به چاه افتادن باشد. به عبارتی راه حلی که اینجا اتخاذ شده جدا کردن کودک از خانواده و تحویل دادن وی به خانواده دیگر است که معمولاً هم با صرف هزینه و توسط خانواده هائی با شرایط نه چندان خیلی بهتر و یا مراکزی عمومی صورت می گیرد که در مثر ثمر بودنشان جای سؤال است و خود این خانه ها و مراکز می توانند مؤلف مشکلات دیگری باشند.

"شهری نجفی" بیان می کند:

"متولی آسیب های اجتماعی بهزیستی است اما واقعیت این است که بخش های متفاوت و بازی را شامل می شود و مشکلات زیادی به این بخش ها رجوع داده می شود و کادر مجربی را می خواهد که بهزیستی ندارد و سرمایه گذاری های لازم برای کودکان آسیب دیده را هم نمی کند و حتی ۱% هم نمی توان به بهزیستی امیدوار باشیم که عملی انجام دهد. چرا که کودک وقتی در بحران قرار گرفت به بهزیستی ارجاع داده می شود و دیگر امکان بازگرداندن کودک به وضعیت اولی نیست".

در شرایط و جامعه ای که مجازات قوادی فقط چند سال زندان است، در قوانین حکم قابل قبولی برای خانواده ای که

سوءاستفاده جنسی و یا کلا هر نوع آزاری را به کودک خود تحمیل می کنند تعیین نشده، و پیگیری آن توسط بهزیستی هم در بهترین حالت نتیجه ای جز جدا کردن کودک از چند دست و سپردن آنها به دست دیگری ندارد، کودک؛ آسیب پذیرترین فرد جامعه؛ باید مثل همیشه به تنهایی با مسائل ادامه دار و حاد خودش روبرو شود...

(۱) دکتر شهین علیانی زند؛ روان شناس و بنیانگذار اولین مؤسسه پیشگیری از آزار جنسی کودکان و نوجوانان در خاورمیانه

(۲) البته این مسأله در سنین زیر ۷ سال هم دیده می شود

(۳) لازم به ذکر است که مقصود همجنس گرایی نیست.

جیران پبله وری

محمد مفید